



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۰۷

نویسنده: ن . جلیل زاد

نسل فردا ، کودکان ما روزی خواهند پرسید: چرا میراث شما برای ما ویرانی بود؟

امروز ما را باید تغییر بدهیم در تاریخ هر ملتی لحظه هایی فرا می رسد که دیگر ادامه دادن راه گذشته نه ممکن است و نه شایسته .

لحظه هایی که وجدان جمعی، همچون آینه ای بی رحم، چهره حقیقی ما را پیش رو می گذارد و می پرسد: «آیا این همان ملتی هستید که از آن سخن می گوید؟ آیا این همان وارثان آزادی خواهان، جانبازان گان و پیشگامانی هستید که برای استقلال و عزت این سرزمین جان دادند؟» امروز برای ما، مردم افغانستان، چنین لحظه ای فرا رسیده است، لحظه ای که باید خود را تغییر بدهیم، نه فردا، نه در آینده ای نامعلوم، بلکه همین امروز، همین اکنون. وضع موجود، با همه تلخی ها و زخم هایش، نتیجه سال ها سکوت، ترس، پراکندگی و فراموشی است. تاریخ، همان گونه که شاهد است، بسیاری از طبقات اجتماعی را می بخشد، اما روشنفکران، تحصیل کردگان و آگاهان را هرگز. زیرا آنان می دانستند و سکوت کردند، می توانستند حرکت کنند و نکردند، می بایست می ایستادند و نایستادند .

این سکوت، این بی عملی، این عادت کردن به زخم ها، میراثی است که اگر امروز آن را نشکنیم، فردا نسل های آینده ما را با قضاوتی سخت و بی رحمانه یاد خواهند کرد. دشمنان داخلی و خارجی همیشه وجود داشته اند، تاریخ افغانستان پر است از توطئه ها، مداخله ها، خیانت ها و آزمون های دشوار .

اما هیچ دشمنی خطرناکتر از ملتی نیست که به سرنوشت خود بی تفاوت شود. هیچ توطئه ای ویرانگرتر از جامعه ای نیست که به تدریج به درد عادت کند، به تحقیر خو بگیرد، و به جای مقاومت، بهانه هایی زیبا برای سکوت بسازد. نسخه های رنگارنگی که امروز برای نابودی مردم و وطن ما پیچیده می شود، تنها زمانی اثر می کند که ما خود را ناتوان، پراکنده و خاموش نگه داریم .

تاریخ بارها ثابت کرده است که ملت ها نه با تعداد دشمنان، بلکه با میزان بیداری و اراده خود سنجیده می شوند. اگر امروز خطر نکنیم، اگر امروز برای تغییر نجنبیم، اگر امروز مسئولیت را بر دوش نگیریم، فردا ممکن است دیر باشد، دیرتر از آنکه بتوان وطن را از سقوطی عمیق نجات داد. هیچ ملتی در لحظه سقوط نمی فهمد که سقوط کرده است، سقوط همیشه آرام، تدریجی و بی صدا آغاز می شود، از همان لحظه ای که مردم تصمیم می گیرند «فعالاً» کاری نکنند. «ما نباید از گفتن حقیقت بترسیم، حتی اگر هزینه داشته باشد. حقیقت همیشه هزینه دارد، اما هزینه سکوت، هزار برابر سنگین تر است. نسل بی گناه آینده، روزی از ما خواهد پرسید:

«چرا وقتی می دانستید، کاری نکردید؟ چرا وقتی می دیدید، سکوت کردید؟ چرا وقتی می توانستید، نایستادید؟» و ما چه پاسخی خواهیم داشت؟ آیا می توانیم بگوییم که ترسیدیم؟ که صبر کردیم؟ که منتظر شدیم؟ هیچ یک از این ها در محکمه وجدان نسل های آینده پذیرفتنی نخواهد بود. ما چگونه می توانیم نسل آینده را قانع کنیم، در حالی که بزرگ ترین ستم را بر شانه های خود پذیرفتیم و مبارزه، تلاش و مقاومت را از یاد بردیم؟ چگونه می توانیم از آزادی سخن بگوییم، وقتی خود در برابر بی عدالتی خاموش ماندیم؟ چگونه می توانیم از عزت ملی حرف بزنیم، وقتی اجازه دادیم وطن به میدان تاخت و تاز بیگانگان و مزدوران داخلی تبدیل شود؟ نسل های گذشته، با همه ضعف ها و خطاهایشان، یک فضیلت بزرگ داشتند: آنان برای آزادی و استقلال ایستادند. شکنجه گاه ها را پذیرفتند، جان دادند، اما عزت را فروختند. ما امروز چگونه می توانیم از آنان یاد کنیم، بی آنکه از خود بیرسیم: «آیا ما نیز چنین شجاعتی داریم؟ آیا ما نیز آماده ایم که برای وطن بایستیم؟» اگر از گذشته شرم نمی کنیم، دست کم باید از آینده شرم داشته باشیم، از کودکی که روزی خواهند پرسید: «چرا میراث شما برای ما ویرانی بود؟» برای اینکه نسلی نباشیم که هم از گذشته گان و هم از آینده گان شرمساری دارد، باید امروز خود را تغییر بدهیم. تغییر، یک شعار نیست، یک تصمیم است. تصمیمی که از درون آغاز می شود، از تغییر نگاه، تغییر رفتار، تغییر مسئولیت پذیری .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

هیچ ملتی با آرزو تغییر نکرده است، ملت ها با اراده، آگاهی و اقدام تغییر می کنند. صبر، فضیلتی بزرگ است، اما تنها زمانی که به رشد، حکمت و پایداری کمک کند. اگر صبر به ابزاری برای توجیه بی عملی تبدیل شود، دیگر صبر نیست، زبونی است.

اگر شکیبایی دست و پای حرکت های ملی و میهنی را ببندد، اگر پایه های ستم و استبداد را محکم تر کند، اگر به بیگانگان فرصت دهد که ریشه های وطن را قطع کنند، آن صبر نه اخلاقی است و نه انسانی، بلکه خیانتی است که زیر نام فضیلت پنهان شده است. پس بیایید شجاعانه، با تدبیر و درایت، و بدون ترس از آینده، از افغانستان، این کهن میهن، این سرزمین رنج دیده اما سربلند، دفاع کنیم. دفاع از وطن تنها جنگیدن نیست، آگاهی است، اتحاد است، مسئولیت پذیری است، ایستادن در برابر ظلم است، ساختن است، آموزش است، بیدارگری است.

وطن را نه تنها با تفنگ، بلکه با قلم، با اندیشه، با اخلاق، با همبستگی و با عشق می توان نجات داد. افغانستان تنها یک جغرافیا نیست، یک تاریخ است، یک حافظه جمعی، یک هویت، یک ریشه. اگر امروز از آن دفاع نکنیم، فردا نه تنها وطن را از دست خواهیم داد، بلکه خود را نیز گم خواهیم کرد. ملتی که وطنش را از دست بدهد، دیگر هیچ چیز ندارد، نه عزت، نه آینده، نه امید. پس امروز باید برخیزیم. امروز باید خود را تغییر بدهیم.

امروز باید تصمیم بگیریم که نسل شرمساری نباشیم، بلکه نسل بیداری، نسل مقاومت، نسل ساختن و نسل امید باشیم. آینده افغانستان در دستان ماست، نه در دستان دشمنان، نه در دستان بیگانگان، نه در دستان تقدیر. ما هستیم که سرنوشت این سرزمین را می نویسیم، یا با سکوت، یا با شجاعت. خدا نهبان کهن میهن ما.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جنیل زاد